

ماریا یوسفی / محقق و کارشناس مسایل سیاسی

ارتباطات، مخاطب و امنیت:

(چارچوب نظری با نگاهی به وضعیت جمهوری اسلامی ایران)

چکیده

در این نوشتار نویسنده بر آن است که ضمن پرداختن به تعاریفی دقیق از مفاهیم ارتباط، مخاطب و امنیت ملی، به تشریح تأثیرات عمده ارتباطات (با در نظر گرفتن مخاطب) بر روی مفهوم امنیت ملی بپردازد؛ تأثیری شگرف که در عصر پر قیل و قال ارتباطات، جهانی متفاوت از گذشته پدید آورده است. دنیایی که کنترل نظم و ایجاد امنیت در آن با توجه به این مهم از قواعدی گوناگون سود می‌جوید. همان‌طور که می‌دانیم از بارزترین مشخصه‌های سده بیست و یکم گستردگی وسایل ارتباط جمعی بوده و این مشخصه، شرایطی را پدید آورده است که در آن انسانها، در جهت تأمین جوانب مختلف زندگی خود، در جستجوی فضایی امن می‌باشند تا در سایه چنین امنیتی به سوی توسعه‌های همه‌جانبه گام بردارند. حال خلق چنین امنیتی با توجه به خصوصیت بارز عصر حاضر، نیازمند قوانین و شیوه‌های خاص خود است که حاکمیت‌های مختلف با تکیه بر آن همواره برای دستیابی به چنین امنیتی گام برمی‌دارند. در پایان این مقاله در صدد است تا با طرح چارچوبی کلی از تهدیدات امنیت در جمهوری اسلامی ایران، راهکارهای مناسبی را نیز مطرح سازد.

فهرست

162	مقدمه
163	الف - ارتباطات: شناختی همه‌جانبه
168	ب - مخاطبان: تحول کمی و کیفی
171	ج - انحصار تبلیغاتی و الگوی بسته از امنیت
172	د - امنیت: ساختار و معنایی تازه
175	ه' - امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران
180	نتیجه‌گیری

کلید واژه‌ها

امنیت ملی

ارتباطات

ایران

افکار عمومی

توسعه

حاکمیت

سیاست

تبلیغات

فصلنامه مطالعات راهبردی سال سوم شماره اول و دوم بهار و تابستان 1379 شماره مسلسل 7 و 8

مقدمه

امروزه گسترش شبکه‌های ارتباطی جهان، در هم شکستن مرزها و قرار گرفتن مخاطبان کشورهای مختلف در معرض امواج تبلیغات جهانی، مفاهیم بسیار متفاوتی از ارتباطات درون‌مرزی و نتایج حاصل از آن در چارچوب‌های مختلف از جمله، مسائل مربوط به امنیت ملی پدید آورده است. دیدگاه امروزی نظام‌های مختلف جهانی، به مسأله جهانی شدن و همکاری‌های منطقه‌ای، تمامی مجموعه‌های ملی را وادار می‌سازد تا با توجه به نقش گسترده ارتباطات،

پیدایش و گسترش ماهواره‌ها و تبدیل مخاطبان ملی به بین‌المللی، از این ابزار قدرتمن تعریفی جدید به دست دهند. بنابراین در پرتو تعاریف جدید از ارتباطات و با تکیه بر مفهوم کاربردی‌اش می‌توان نقش آن را در امنیت ملی مشاهده کرد: امروزه ابزارهای مختلف اعمال زور جای خود را به اقناع می‌بخشند و دولتها نیز بیشتر بر پایه اقناع ملی

سعی در حفظ و گسترش مشروعیت قانونی خود دارند. پس مشاهده می‌شود که تحولات جدید که حاصل استفاده از

وسایل ارتباطی است سبب شده‌اند که مرزهای جغرافیایی به شکل موجود مفهوم خود را از دست بدهند و دنیای امروز بنا به گفته مک‌لوهان اصطلاحاً به دهکده جهانی¹ مبدل گردد. بی‌تردید شیوه برقراری امنیت در چنین جهانی تحت تأثیر ارتباطات می‌باشد، شیوه‌ای که بسیار متفاوت از گذشته است. با توجه به اهمیت علم ارتباطات و تأثیر مستقیم آن بر امنیت ملی و جهانی، نظام‌های سیاسی مختلف در پی آنند تا تدابیری تازه را جهت برقراری هر چه بیشتر امنی به کار گیرند. به همین خاطر است که معتقدیم پژوهشی در زمینه مفهوم جدید ارتباطات و امنی، به ویژه کاربرد آن در کشورمان به یک ضرورت تبدیل شده است.

1. Global Village

از این ور در این بحث نخست نگاهی خواهیم افکند به دو مفهوم ارتباطات و امنیت ملی و آن‌گاه به تحلیل وضعیت فعلی ایران پرداخته و راهکارهای مناسب مطرح می‌شوند.

الف - ارتباطات: شناختی همه‌جانبه

اطلاق عنوان دهکده جهانی بر وضعیت ویژه انسان در قرن بیستم حکایت از گسترش حوزه نفوذ ارتباطات در عصر حاضر دارد. (1) همراه با رشد علم ارتباطات بسیاری از سنتهای جوامع گوناگون جایگاه خود را از دست داده‌اند و مفاهیمی نو، جایگزین سنتی شده‌اند که زمانی ایفاگر نقشی عمده در فرهنگ این جوامع بودند. برای پی بردن به گسترش نفوذ قلمرو این پدیده، ابتدا باید به دیدگاهی جامع از ارتباطات دست یافت:

1- تعریف ارتباطات

منظور از ارتباطات در اینجا ارتباطات میان فردی نمی‌باشد بلکه مراد ارتباطات جمعی و گروهی و تأثیراتی است که

این نوع ارتباطات در جوامع دارند. ارتباط از نظر لغوی واژه‌ای است عربی به معنای پیوند دادن، پیوستگی و رابطه (2)

است. از نظر اصطلاحی "ادومین ابری" ارتباط را در معنای عام آن چنین تعریف می‌کند: ارتباط عبارت است از فن انتقال اطلاعات، افکار و رفتارهای انسانی از یک شخص به شخص دیگر. (3) چارلز کولی از معتبرترین محققان این

رشته نیز ارتباط را سازوکاری می‌داند که از خلال آن روابط انسانها برقرار شده و بسط می‌یابد. (4) پس ارتباط، انتقال پیام به دیگری و اساس شکل‌گیری جامعه انسانی است و به همین خاطر می‌باشد که ماهیت جوامع فعلی برپایه آن تعریف می‌شود: ارتباط سازوکاری است که روابط انسان براساس آن پدید می‌آید و تمامی مظاهر فکری و وسایل انتقال و حفظ آنها در مکان و زمان برپایه این سازوکار توسعه می‌یابد. (5)

توضیح انجمن بین‌المللی تحقیقات ارتباط جمعی برای تبیین هر چه بهتر معنای "ارتباط" نیز همین معنا را می‌رساند آن جا که می‌خوانیم:

“منظور از ارتباط، روزنامه‌ها، نشریات، مجلات، کتب، رادیو، تلویزیون، و وسایل ارتباطی همانند تلفن، تلگراف، کابلهای زیردریایی و پیت می‌باشد. ارتباط چگونگی تولید و توزیع کالاها و خدمات مختلفی را که وسایل و فعالیتهای

فوق را به عهده دارند و مطالعات و تحقیقات مربوط به محتوای پیامها و نتایج و آثار آن را نیز در برمی‌گیرد.” (6)
در مجموع تعریف میکی اسمیت را می‌توان تعریفی مختصر و مفید از ارتباط دانست آن جا که می‌گوید: “ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال اطلاعات، احساسها، حافظه و فکرها در میان مردم.” (7)

2- تحول مفهوم ارتباطات

با شروع انقلاب صنعتی و رشد روزافزون تکنولوژی، مفهومی جدید چون تقسیم کار تبلور یافت که با خود گسترش

صنایع و رشد دانش تجربی را به همراه داشت. با آغاز این شیوه از زندگی، فرهنگ متناسب با آن ظهور یافته و کیفیت

زندگی معاصر دگرگونه گشت. با ایجاد تحول و دگرگونی در این حیطه از زندگی انسانها، عملکرد ارتباطات نیز تنوع

پذیرفت و در واقع میدان اقتدار آن نامحدود شد. به عبارتی می‌توان گفت ارتباطات به شکل امروزی خود زاینده رشد

صنعت و فرآورده‌های علمی بشر از فردای انقلاب صنعتی است و تغییر مفهوم ارتباطات نیز در پیشرفت وسایل ارتباطی و اهداف به کارگیری آن خلاصه می‌شود؛ چرا که تحولات و انقلابات این عصر، به سادگی تحولات قرون

گذشته نیست. در این عصر تحولات در گستره‌های متنوع فضا و زمان رخ می‌نماید بنابراین تغییر مفهوم ارتباطات در بطن پیچیدگی زندگی معاصر بشر نهفته است، یعنی انسانها با گذار از سادگی در طول زمان، بسیاری از مفاهیم از جمله

ارتباطات را دگرگون ساخته‌اند، که فراگیر شدنش، آن را از اندیشه بشر نیز بالاتر برده است به گونه‌ای که در سایه تحولاتی چنان عظیم، ابعاد زمان و فضا نیز ارزشهای کهن خود را از دست داده‌اند. (8)

3- ارتباطات، امنیت و توسعه

سرعت خیره‌کننده انقلاب ارتباطات و فن‌آوری مربوط به آن، با ایجاد بزرگراههای ارتباطی، جهانی سراسر متغیر به ظهور رساند که بزرگترین دستاورد آن تحول در معانی است؛ یعنی برخلاف تصور قبلی، که معنا را چیزی پیش داده

می‌دانستند که در جریان ارتباطات منتقل می‌شود، تصور جدید معنا را زاینده ارتباط برمی‌شمارد و بیرون از پدیده ارتباط به چیزی باور ندارد. انسان معاصر با برخورداری از تکنولوژی ارتباطات، دستیابی به آرمانهایی را که زمانی تنها

در ذهن حقیقت‌جویی او جای داشت، حق مسلم و طبیعی خود دانسته و عملاً در جهت گرایشهایی چون آزادی، عدالت و امنیت گام می‌نهد.

متفکران آلمانی در قرن نوزدهم از نخستین کسانی بودند که در زمینه نقش تاریخی ارتباطات در جوامع بشری و تأثیری که بر یکپارچگی اجتماعی به جای نهاد، به بررسی و پژوهش پرداختند. از نظر آنان کارکرد رسانه‌ها به ویژه مطبوعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا عناصر گوناگون جامعه را به یکدیگر پیوند می‌زند و با شکل دادن

افکار عمومی هدایتگر زمینه‌های لازم برای مبادله افکار بین نخبگان و توده می‌باشد و بنابر گفته این اندیشه‌مندان، وسایل ارتباطی به صورت وجدان جامعه عمل می‌کند. (9)

هرچند ارتباطات همواره در خدمت توسعه نبوده و در مواقعی نیز نقشی منفی و ویرانگر در سراسر جهان داشته است

اما این وسایل مفیدترین ابزاری هستند که می‌توانند در ایجاد توسعه جوامع در زمینه‌های مختلف، و نیز به لحاظ فرهنگی نقش ایفا کنند. (10) در این میان، حلقه واسط بین دو مفهوم ارتباطات و توسعه، مفهوم بنیادین امنیت می‌باشد. "بنابه گفته لوسین پای توسعه سیاسی محصول امنیت ملی است و آن عبارت است از تغییر وضع مردم از صورت اطاعت‌کنندگان بی‌شمار به صورت شهروندان مشارکت‌کننده در سطح وسیع با حساسیت بیشتر نسبت به اصل برابری و پذیرش روزافزون قوانین و حقوق یکسان" (11) با توجه به تعریف لوسین پای، می‌توان به نقش حساس توسعه سیاسی در رسیدن به رقابت نهادینه شده، تحقق مشارکت و امکان تحرک اجتماعی و تأثیر این عوامل بر روی امنیت ملی پی برد. از پیامدهای مثبت ارتباطات در جوامع انسانی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد که تماماً در تضمین ابعاد مختلف امنیت ملی در عصر حاضر مؤثرند:

اول) پیامدهای سیاسی: رشد و گسترش آگاهی سیاسی، ایجاد تحولات سیاسی در سطح گسترده نظیر گسترش مشارکت توده در مسائل سیاسی کشور، رشد افکار عمومی و در نتیجه توسعه سیاسی و کمک به ایجاد احزاب مختلف، کمک به ایجاد یکپارچگی سیاسی، حرکت به سوی قانونمند شدن جوامع.

دوم) پیامدهای اجتماعی: حرکت به سوی جهانی متحد و یکپارچگی اجتماعی، القای فرهنگهای مشترک در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کمک به تشکیل نهادهای مختلف اجتماعی و نقش ارتباطات در جامعه‌پذیری.

سوم) پیامدهای اقتصادی ارتباطات: تبدیل اقتصاد معیشتی به اقتصاد بازار، کانالیزه کردن سلايق افراد در مسیر موردنظر به جهت اقتصادی، گسترش مبادلات سودمند اقتصادی در سطح بین‌المللی و تبلیغات اقتصادی در جهت انتخاب اجناس و کالاهایی خاص (مناسب با سیاست اقتصادی دولت) به منظور شکوفایی اقتصادی جامعه؛ موارد فوق

از تأثیرات و نقش مثبت و سازنده استفاده از وسایل ارتباط جمعی می‌باشد؛ البته این وسایل در شرایطی متفاوت ممکن است تأثیراتی منفی نیز برجای بگذارند، اما در مجموع نمی‌توان نقش طبیعی این وسایل را در فرآیند زندگی جوامع انسانی نادیده انگاشت. فرآیندهایی از قبیل گسترش شهرنشینی و رشد جامعه مدنی، افزایش میزان تحصیلات و به طور کلی طرز تلقی انسان امروز نسبت به جهان، از ثمرات انکارناپذیر این وسایل است. (12)

4- ارتباطات، اهرمی در دست حاکمیت

امروزه وسایل جمعی از همان قدرتی برخوردار است که زمانی جنگ‌افزارها از آن بهره می‌بردند و از همین روی حاکمیت‌های سیاسی نیز از وسایل ارتباطی جهت مشروعیت بخشیدن به قدرت و افزایش نفوذ همه‌جانبه خود استفاده می‌نمایند. در واقع امروزه کاربرد اهرم‌گونه ارتباطات با هیچ وسیله‌ای قابل قیاس نیست. در این زمینه تحلیل آلون تافلر، قابل توجه است، او تاریخ بشر را با تأکید بر عامل قدرت به سه عنصر تقسیم می‌کند، به نظر وی: انسانها با گذار از مراحل کشاورزی و صنعتی با مرحله نهایی که عصر قدرت‌یابی ارتباطات است، پای گذاشته‌اند؛ در این مرحله قدرت در دست کسانی است که صاحب شبکه‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی هستند. (13)

5- ارتباطات درون مرزی و برون مرزی

ارتباط معنایی است که به مرزهای سیاسی، چهارچوبهای جغرافیایی و تفاوت‌های اقتصادی وقعی نمی‌نهد و از آن جا که جریان آزاد افکار، عقاید و موضوعات برای انسان و جامعه دارای ارزشی بنیادین هستند، هر جا که ارتباطات چونان ابزار و انسان به مثابه مخاطب صحنه باشد، وسایل ارتباطی ایفای نقش می‌کنند؛ و در واقع ارتباط جمعی یا بهتر بگوییم ارتباطات میان توده‌ها، عبارت است از انتقال اندیشه‌ها به تعداد فراوانی از افراد در آن واحد بدون رفتن

مرزها. (14) به عبارت دیگر چنان که "رؤف تی‌کلاپر" در کتاب تأثیر ارتباط جمعی بیان داشته، ارتباط جمعی عبارت

است از رساندن اطلاعات، ایده‌ها و برداشتها از طریق وسایل ارتباطی و رسیدن این اطلاعات به عده زیادی از
انسانها

در یک زمان در نظر گرفتن مکان و مرزهای جغرافیایی." (15)

بنابراین ملتها ناگزیر از طرح سیاستهای ملی خود، با مراعات بعضی معاهدات و معیارهای پذیرفته شده در سطح بین‌المللی هستند. (16) شماری بر این باورند که جریان آزاد اطلاعات، بدون در نظر گرفتن مرزها، افسانه‌ای بیش نیست و تا زمانی که ممالک فقیر و عقب‌مانده از امکانات لازم برای استفاده برابر از ارتباطات و اطلاعات محروم هستند و انحصار کنترل منابع و تکنولوژیهای ارتباطی در اختیار کشورهای بزرگ صنعتی قرار دارد، این جریان تحقق‌پذیر نخواهد بود اما یک نکته واضح است و آن این که: عامل "مرزهای جغرافیایی" در پرتو تحولات رخ داده در

عرصه ارتباطات، اهمیت و جایگاه پیشین خود را از دست داده و این دلالت بر تغییر ماهیت و ویژگیهای امنیت ملی دارد.

با توجه با رشد کمی و کیفی وسایل ارتباطی و افزایش کاربرد آنها در ساختارهای اجتماعی، مرزهای ملی و فراملی مفهوم محدودی یافته‌اند؛ یعنی وسایل ارتباطات جمعی با ابزارهای مدرن و امروزی سدهای مرزی را شکسته و یک خبر یا حادثه را همزمان بسیاری از شبکه‌های ارتباطی در تمامی نقاط جهان پخش کرده و به سمع و نظر هر مخاطبی در هر گوشه از جهان می‌رسانند؛ این موضوع سبب شده است که افراد از میزان آگاهی بالایی نسبت به مسائل پیرامون خود چه در داخل و چه در سطح بین‌الملل برخوردار شوند. در نقاطی از جهان که پیشرفت تکنولوژی

در آنها مشهودتر است افراد علاوه بر دسترسی به رادیو و تلویزیون، مطبوعات، سینما و ماهواره به ابزاری چند منظوره مانند کامپیوترهای پیشرفته و اینترنت نیز تجهیز شده‌اند و نیازهای اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی خویش را با توسل به این وسایل بدون کمتر مشکلی رفع می‌نمایند.

6- تأثیر ارتباطات نوین در روابط بین‌المللی

رسانه‌های نوین کشورها را از حیث فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی و اقتصادی آسیب‌پذیر ساخته‌اند. این شبکه‌های ارتباطی با ایجاد روند حرکت شتابان به سوی ایجاد فرهنگ جهانی، ملتها را با یکدیگر در آمیخته و تاریخ و فرهنگ و تمدن و ارزشها و باورهای ملل را در منظری پسامدرن، تنها نمودی از حقیقت، نه حقیقت واقعی دانسته و شناسانده‌اند. بدین ترتیب دولتها و حکومتهای سنتی در بسیاری از ابعاد، سلب قدرت و خلع اختیار شده‌اند.

در این زمینه تفکیک ارتباطات برون‌مرزی از درون‌مرزی کاملاً ضروری است، ارتباطات برون‌مرزی در آستانه قرن 21 تأثیرات چندسویه‌ای برجای گذاشته‌اند: اول - درهم آمیختن مرزهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی دوم - تضعیف مرزهای ذکر شده جغرافیایی به لحاظ سیاسی، چنان‌که ماهواره‌ها با پخش مستقیم برنامه، فضاهای ملی را با اخبار خارجی و سرگرمی و آموزش و برنامه‌های تبلیغاتی آکنده ساخته و از نظر فرهنگی نیز الگوهای جدید ارتباطات جهانی، همواره یک نوع فرهنگ کالاگرایی جهانی را تبلیغ میکنند که این مقوله تأثیراتی بسیار حیاتی در امنیت ملی جوامع ایفا می‌کند. (17)

تأثیر تحولات ارتباطی معاصر در روابط بین‌المللی موجب توجه بیشتر به مطالعات مقایسه‌ای در زمینه فرهنگی و افکار عمومی گشته و سرانجام تلاش برای پیدا کردن ارتباط میان ابعاد اقتصادی و ارتباطی منابع جهانی را در پی آورده است. در این زمینه مثالهایی در تاریخ جهان یافت می‌شود که همگی مؤید نقش حساس ارتباطات و وسایل جمعی در تحولات ملی و بین‌المللی است. دکتر تهرانیان در این زمینه به تأثیر نوارهای ضبط صوت در انتقال پیامهای امام در زمان انقلاب اسلامی ایران، تأثیر نمابر¹ در شورش دانشجویان معترض چینی در میدان تیان‌آن‌من پکن، تأثیر رایانه در شکست کودتای شوروی، تأثیر تلویزیون در سقوط مارکوس در فیلیپین، استفاده چریکهای مکزیکی از اینترنت و اشاره می‌کند. (18)

بنابراین در یک جمع‌بندی از تأثیرات وسایل ارتباطی جدید در سطح داخلی و خارج از مرزها می‌توان به این موارد

اشاره کرد: انتقال اطلاعات و اندیشه‌ها از مرکز به پیرامون، جهانی شدن امور محلی و محلی شدن امور جهانی و هجوم به مرزهای سنتی و ملی و پیدایش جامعه مدنی جهانی از راه گسترش سازمانهای دولتی و غیردولتی. (19)

ب) مخاطبان: تحول کمی و کیفی

مخاطب کسی است که هدف اصلی وسایل ارتباط جمعی در جهت انتقال پیام مورد نظر قرار می‌گیرد و در واقع محتوای پیام به نوعی به او مربوط می‌شود؛ هر شنونده یا مورد خطابی به معنای واقعی مخاطب نیست بلکه مخاطب سهمی از پیام داشته و پیام ارتباطی با منافع و مصالح وی مرتبط است.

1. Fax

1- تحول در گونه مخاطبان

می‌توان گفت در سه ماهه اول قرن 20 مخاطب موجودی منفعل و در دو دهه بعد موجودی فعال قلمداد شده است. یعنی باور عمومی در این سه دهه این بود که هر چه رسانه بگوید همان می‌شود و رسانه می‌تواند به رفتار مخاطب شکل داده و رفتارهای همگانی و کلیشه‌ای پدید آورد. بنابراین، این نظریه فرجام ارتباط را اقناع می‌دانست. (20) اما در دو دهه بعد 1940-1960 نظریه تأثیرات محدود جایگزین شد که طبق آن مخاطب موجودی

سرسخت و فعال بوده و خود را در معرض هر پیامی قرار نمیدهد و پیامی را برمی‌گزیند که با ذهنیت گذشته‌اش همخوانی داشته باشد. (21) از این دیدگاه فرجام ارتباط میتواند استحکام ذهنیت مخاطب باشد نه اقناع او، بنابراین در سالهای اخیر می‌توان تأثیر مخاطب به روی وسایل ارتباطات را دید؛ یعنی، این که رسانه‌های همگانی در چه جهتی حرکت کنند و چه مسیری را برای فعالیت در زمینه‌های مختلف برگزینند، تا حدودی بر گزینش مخاطب بستگی دارد؛ برای مثال مخاطبان با استقبال خود از یک روزنامه یا مجله‌ای خاص، هم جهت بودن خود را با آن مسیر ابراز می‌دارند، بدین‌سان با الگوسازی برای حرکت رسانه‌ها این حرکات را در جهت موردنظر خود هدایت می‌نمایند. بنابراین، پدید

مخاطب متحول شده است و مخاطب مانند گذشته انتخاب نمی‌شود بلکه خود برمی‌گزیند؛ چرا که برخلاف گذشته

ذهنیتهای منسجم و شکل گرفته‌ای به مسائل می‌نگرند.

2- تبدیل شدن مخاطبان داخلی به مخاطبان فراملی

با گسترش حیطه ارتباطات مخاطبان ملی جای خود را به مخاطبان فراملی داده‌اند یعنی آنها در موقعیتی قرار گرفته‌اند که حتی مورد تهاجم نظامهای مختلف تبلیغاتی می‌باشند زیرا با تغییر و تحول در شیوه تفکر و برخورد افراد با مسائل اجتماعی، زمینه‌های لازم جهت تأثیرپذیری و اثرگذاری فراهم شده است.

با گسترش مخاطبان از چهارچوب ملی به سوی مخاطبان جهانی، ضریب آگاهی و تفکر فزونی گرفته و مخاطبان مختلف در هر گوشه از جهان توانایی کشف عملکردهای مختلف در سراسر جهان را یافته‌اند. آنان با نحوه‌ای

متفاوت از عملکردهای سیاسی سایر نظامها آشنا شدند و از اشکال متمایز زندگی در سایر جوامع انسانی آگاهی یافتند و

توانستند با آداب و سنن، زبان، فرهنگ و انواع حاکمیت و شیوه‌های متنوع اقتصادی ارتباطی نو برقرار سازند. بدین‌سان شاخصهایی در زندگی جوامع پدیدار گشت شاخصهایی از قبیل:

مفاهیم اجتماعی قالبهای سنتی خود را از دست دادند؛
جوامع بشری از تعاملات مختلفی در زمینه زندگی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی برخوردار شدند؛
افراد در جوامع مختلف از حالت انفعالی خارج شده و نقشی فعال و تعیین کننده یافتند.

3- مخاطب و افکار عمومی

ارتباط مخاطب با وسایل ارتباط جمعی یک رابطه دوسویه می باشد. در پدیده مخاطب دو عامل بسیار مهم جهت تأثیرگذاری بر این پدیده آشکار است که عامل اول پیام می باشد: معنا در ذهنیتهای مختلف، متفاوت بوده و افراد با توجه به بسیاری از عوامل از جمله فرهنگ، محیط، تربیت و جایگاه اجتماعی و در مجموع تحت تأثیر پیشینه شخصیتی خویش مفهوم خاص خود را از یک معنا استنباط می کنند. بنابراین مفهوم و معنای پیام نزد همه افراد یکسان نیست و این عملکرد وسایل ارتباطی را دشوار می سازد؛ عامل دوم همان است که به افکار عمومی مشهود می باشد.

رسانهها بر مبنای افکار عمومی جامعه و در جهت آن گام برمی دارند و آن چه باعث رشد و بالندگی مخاطبان در جهتی خاص می شود و افکار عمومی را تقویت و تضعیف می نماید، همین رسانه های جمعی هستند. در یک تعمیم کلی، رسانه ها توانایی رشد کیفیت و یا تخریب افکار عمومی را دارند، آنان همواره سعی می کنند جو ارزشهای

بر افکار عمومی را بسنجند و جهت اثرگذاری برای این افکار و رشد کیفی آن عملکردهای اساسی داشته باشند. با توجه به اهمیت فراوان افکار عمومی، نقش آن در ارتباطات و جلب مخاطب و در نهایت تأثیر آن در برقراری امنیت لازم تخصص در این مقوله بسیار اهمیت دارد که پژوهشگران باید به آن اهتمام جدی نمایند. (22) در هر صورت افکار عمومی پدیده ای اجتماعی و حاصل کنش و واکنش بسیاری از اذهان مخاطبان می باشد. این افکار حاصل جمع آوریهای جداگانه افراد نبوده بلکه پدیده ای است سازمان یافته، محصول ارتباطات و آثار متقابل آن. (23)

ج) انحصار تبلیغاتی و الگوی بسته از امنیت

انقلاب صنعتی و انفجار جمعیت و افزایش نفوس و توسعه شهرها، پیدایش بورژوازی توسعه سریع و پیشرفت تکنولوژی و نظام کار، تعادل گذشته را در هم ریخت و با ایجاد نهادهای مشارکت از فاصله میان مردم و حکومت کاسته شد. از آن گذشته وسایل ارتباط جمعی باعث پیدایش جامعه تازه‌ای گشت به گونه‌ای که امروزه افراد در

تماس با منابع خبری، از رویدادهای فراملی نیز آگاه می‌شوند و همین ویژگی است که در درک ما از امنیت تأثیر بسزایی دارد. تبلیغ از شیوه‌های اثرگذار وسایل ارتباط جمعی است که می‌تواند در دو زمینه نمود یابد. اول: تبلیغات سیاسی¹ دوم: تبلیغات اقتصادی و تجاری² که در هر دو مورد افکار عمومی و فرهنگ حاکم در جامعه نقش اساسی را ایفا می‌کنند. اهمیت تبلیغات سیاسی با توجه به تمام امکاناتی که پیشرفت تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات در اختیار آن قرار داده، شاهدی است بر اهمیت افکار عمومی در جامعه امروزی، پیشرفت طرحها، حفظ نظم اجتماعی و اجرای سیاستها امروزه با تصمیم و همکاری افراد بیشماری بستگی پیدا کرده است. (24) بنابراین تبلیغات در زمینه سیاسی می‌تواند پیامدهای مثبت یا منفی بر امنیت ملی داشته باشد یعنی با استفاده از آگهیهای تبلیغاتی هر رسانه، می‌توان ضریب مشروعیت یک نظام را کاهش یا افزایش داد و با این که از تبلیغات جهت جلب اعتماد یا سلب اطمینان

افراد بهره برد؛ مثلاً سیاستمدارانی که طرفداران زیادی ندارند و یا نامزدهایی که برای همسوسازی افکار عمومی با اهداف مورنظر استفاده می‌کنند. بنابراین در درازمدت فقط دولت در یک جامعه بسته می‌تواند به یک موقعیت انحصاری کامل دست یابد که در آن الگوهای فکری تمام مردم را می‌توان در شبکه ارتباطی تغییر داد. (25) البته با توجه به چنین نظری، انحصار تبلیغ فقط در جوامع بسته که سیستمهای ارتباطی دیگری جز طریق دولت وجود نداشته باشد پیش می‌آید و گرنه درجایی که بتوان از طریق امواج رادیو، تلویزیون و سایر تمهیدات تبلیغاتی مانند آنتنهای ماهواره و شبکه جهانی اینترنت نفوذ یافت، تبلیغات انحصاری شانس ماندن در یک محدوده محصور شده را ندارند و با گسترش این شبکه‌های ارتباطی ضریب مشروعیت چنین نظامهای بسته‌ای، به حداقل می‌رسد و در نهایت انحصار تبلیغ در محدوده ملی از میان می‌رود؛ به عبارتی استفاده از الگوهای بسته جهت تأمین امروزه دیگر کارایی لازم را ندارند.

1. Propaganda

2. advertising

د) امنیت: ساختار و معنایی تازه

با توجه به اقتدار روزافزون وسایل ارتباط جمعی، ارتباط جهانی معاصر و تغییر شکل جهان در قالب ظهور و کاربرد

مفاهیم جدید، اسباب ایجاد یک امپراتوری ارتباطی و به عبارتی امپریالیسم ارتباطی، خبری و فرهنگی پدید آمد. در این باره جامعه جهانی با تغییراتی بنیانی در تکنولوژی ارتباطات مواجه شد که کلیات آن در قسمتهای پیشین آمد. با توجه به موارد مذکور و ارزیابی اجمالی به عمل آمده، دگرگون گشتگی مفهوم امنیت آشکار می‌گردد. با ایجاد نهادهای مختلف سیاسی و اجتماعی و کاهش فاصله بین دولت و شهروندان، ملی تغییراتی پدید آورده است. از دیگر سو وسایل ارتباط جمعی آثاری بر جوامع نهاد که این پیامدها ارکان اساسی مفهوم امنیت را متغیر ساختند از جمله:

1- ایجاد انگیزه‌ها و نگرشهای مثبت در زمینه‌های مختلف اجتماعی و همچنین حاکمیت

2- ایجاد و رشد رفتارهای مقبول اجتماعی

3- افزایش مشروعیت سیاسی نظام حاکم

4- ایجاد هماهنگی فکری در سطح جامعه

5- پی‌ریزی افکار عمومی

در گذشته قانون معنایی صرفاً طبقاتی است و در حکومت‌های دیکتاتوری، تجسم و توجیه خواسته‌ها و تمایلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی حاکمیت به شمار می‌آمد و مخالفان نیز در این نوع حکومت جایی نداشتند آنان ملزم بودند همان‌گونه ببندیشند که دیدگاه طبقات حاکم از افراد جامعه خواستار بود، در غیر این صورت با ایجاد ناامنی برای برقراری امنیت تنها راه ممکن توسل به زور و زندان بود و قانون نیز با طبقاتی عمل کردن، نمی‌توانست به

طریق صحیح جهت ایجاد نظام و افزایش و آرامش بکوشد. به عبارتی قانون بر مبنای امنیت شکل گرفته بود و امنیت را نیز طبقات حاکم در مسیر تمایلات خود برقرار می‌ساختند. اما امروزه با گذشت زمان حرکت بشر به سوی تکامل و تعالی

و نیز با گسترش شبکه‌های ارتباطی با شعاع عملکرد وسیع، تعاملاتی در زمینه‌های مختلف بین دول و ملل مختلف جهان صورت گرفت یعنی مفاهیمی که سازنده حیات سیاسی یک کشور بودند در چهارچوبی تازه موضوعیت یافتند. مفاهیمی نظیر حکومت، دولت، قانون، آزادی، عدالت، حقوق، اقتصاد، سیاسی و حاکمیت متحول شدند؛ به گونه‌ای که در جوامع دموکراتیک امروزی قانون در جهت تعدیل جامعه گام برمی‌دارد.

در چنین شرایطی، مفهوم امنیت نیز تحت شعاع این تغییرات کلی در معانی واژه‌ها، به مفهومی تازه دست یافته است. معنایی که در چارچوب عملی قادر به پاسخگویی نیاز انسان معاصر در زمینه ایجاد امنیت و برقراری آن در جوامع امروزی باشد. جهان امروز را در برقراری امنیت باید نیازمند پیروزی از چند اصل دانست:

1- بر مبنای قانون بودن امنیت: هر قدر جامعه‌ای با توجه به الگوهای قانونی حرکت نماید به همان میزان ضریب امنیت در آن افزایش می‌یابد.

2- منع استفاده از شیوه‌های تحکمی و خشونت در برقراری امنیت: امروزه استفاده از زور و سلاح‌های نظامی و خشونت جهت ایجاد امنیت با شکست مواجه می‌شود.

3- استفاده از وسایل ارتباط جمعی جهت برقراری هر چه بیشتر امنیت: نظام حاکم بر جامعه با استفاده از چنین وسایلی قادر به افزایش ضریب مشروعیت خویش خواهد بود و با افزایش میزان مشروعیت ضریب امنیت نیز در آن جامعه رشد صعودی خواهد داشت.

بنابراین تغییر مفهوم امنیت، نخست در بطن تفکرات حاکمیت و مردم و دو دیگر در شیوه‌های برقراری امنیت در جوامع انسانی نهفته است.

علاوه بر موارد یاد شده در دنیای پس از جنگ سرد مفهوم جدیدی از امنیت متولد شده است که با مفاهیم گذشته آن تفاوت‌های اساسی یافته است. یعنی در مفهوم جدید از امنیت مجموعه‌ای از افراد، گروه‌ها، سازمان‌های فراملی و فروملی نقش ایفا می‌نمایند و با تأکید بر این که ابعاد نظامی، سرزمینی، اقتصادی و تجاری امنیت همچنان معتبر است، ولی بعد ارتباط فرهنگی در جهت تأمین امنیت نقش و توان بالاتری در دهه‌های آتی در عرصه ملی و در نهایت بین‌المللی ایفا خواهد نمود. (26)

در یک تعریف، امنیت ملی احساس امن، رهایی از اضطراب و دغدغه که ناشی از اتحاد ملی، آزادی، توسعه و موقعیت

یک کشور است. در دایره‌المعارف اجتماعی نیز امنیت چنین تعریف شده است: توان یک ملت در حفظ ارزشهای داخلی در مقابل تهدیدات خارجی. (27) "والتر لیپمن" محقق و نویسنده آمریکایی هم از نخستین کسانی است که

روشنی به تعریف مفهوم امنیت ملی پرداخته است: یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ

بتواند ارزشهای اساسی خود را حفظ نماید و در صورت اقدام به جنگ نیز بتواند آن ارزشها را پیش برد. (28) و

ن

تداعی کننده همان تعریفی است که "ریچارد کوپر" از امنیت دارد.

یعنی: توان جامعه در حفظ و بهره‌گیری از فرهنگ و ارزشهایش (29) 1- نقش و تأثیر وسایل ارتباطی بر مفهوم امنیت ملی

امروزه خصوصاً از سال 1990 با رشد سریع ارتباطات و اطلاعات، نزدیک شدن بیشتر ملت‌ها به یکدیگر مطرح می‌گردد. در عصری که می‌توان آن را انقلاب اطلاعات و ارتباطات نامید مفهوم امنیت ملی نه مثل گذشته تنها به بعد نظامی - سرزمینی مربوط می‌شود و نه صرفاً ابعاد اقتصادی، نظامی، سیاسی اجتماعی را در برمی‌گیرد. بلکه به دلیل یک دست شدن جامعه جهانی همه مسائل، به سان یک جامعه سیاسی داخلی به یکدیگر مرتبط و نزدیک می‌شوند که از جمله این مسائل امنیت می‌باشد به عبارتی دیگر در چنین جهانی، امنیت یک کشور مساوی با امنیت همه و برعکس خواهد بود. یعنی مفهوم امنیت، مفهومی متقابل و یکسان برای همه دولتهاست.

اینک بسیاری از دولتها در مورد تزلزل ارزشهای فرهنگی - اجتماعی خود احساس خطر و ناامنی می‌نمایند (30)

این
احساس خطر و نگرانی گرچه در میان دول جنوب به دلیل فقدان فن‌آوری ارتباطی و اطلاعاتی بیشتر مطرح می‌گردد، ولی بین دول شمال نیز (اروپا و آمریکا - ژاپن - چین) کم و بیش چنین احساس یعنی (جنگ فرهنگی) حاکم است [به همین خاطر است که می‌بینیم کشوری مانند] چین مسأله امنیت ملی را از زاویه‌ای کلی‌تر و گسترده‌تر مورد توجه قرار می‌دهد.

2- تحول شاخصهای امنیت

در دوره‌ای از تاریخ 1700-1945 مفهوم امنیت، امنیت نظامی - سرزمینی بود یعنی سرزمین وسیع‌تر، جمعیت بیشتر، سرباز و ارتش قوی‌تر، امنیت بیشتری نیز به همراه داشت، (31) این موارد از مشخصه‌های برقراری امنیت به شمار می‌آمدند و اگر حاکمیتی از این امتیازات بهره کمتری داشت قادر به تأمین امنیت نمی‌بود؛ اما در دوره بعد یعنی از 1945 تا 1990 ضمن این که مفهوم نظامی در ایجاد امنیت همچنان باقی ماند ولی عملاً ایجاد امنیت در قالب ابعاد اقتصادی و تجاری متمرکز شد؛ زیرا در این دوره علم و فن‌آوری، ارتباطات، سلاحهای نوین، تجارت بین‌المللی و رشد اقتصادی چشمگیر بود. در این میان از شاخصهای امنیت جدید می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: افزایش توان فرهنگی، ارتباطی و اطلاعاتی بیشتر و نسبی بودن امنیت.

بنابراین با تغییر میزان قدرت و وجود تهدیدات بالقوه و بالفعل حتی قوی‌ترین دولتها نیز از امنیت مطلق بی‌بهره‌اند؛ در مجموع برای امنیت ملی، ویژگیهای عمومی زیرار می‌توان برشمرد که جوهره اصلی آن را شکل می‌دهند:

- 1- حفظ جان مردم: که از طریق ایجاد یک نظام قدرتمند اطلاعاتی می‌توان به آن دست یافت.
- 2- حفظ تمامیت ارضی: که با ایجاد تمایلات دموکراتیک و صلح‌جویانه برای از میان برداشتن تمایلات جدایی طلبان

شکل می‌گیرد.

- 3- حفظ نظام اقتصادی: که با توسعه اقتصادی و افزایش میزان اشتغال و کاهش بی‌کاری ایجاد شود.
- 4- حفظ استقلال و حاکمیت کشور: که براساس دو عامل تبادلات صلح‌جویانه و تبلیغاتی با خارج از مرزها و هماهنگی در جهت کاهش تضادها در داخل به وجود می‌آید. نتیجه آن که امنیت در عصر حاضر صبغه‌ای ارتباطی داشته و بدون توجه به ماهیت ارتباطات نمی‌توان به فهم آن رسید.

ه) امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

کشور ایران در منطقه پر تلاطم خاورمیانه قرار دارد و این مسأله به لحاظ موقعیت بین‌المللی ایران در سطح منطقه و جهان، وضعیت شاخصی است که عملکردهای خاص سیاسی حاکمیت را می‌طلبد. در عین حال کشور ما به لحاظ داخلی با مشکل قومیتها مواجه است که خود مقوله امنیتی مهم و جداگانه‌ای میباشد. ضمناً ایران از کشورهای ایدئولوژیک جهان می‌باشد، بنابراین مسأله گوناگون قومیتها نظیر ترک، کرد، لر، بلوچ، و فارس که در دورن آنان نیز تنوع مذهبی دیده می‌شود تهدیدی بالقوه برای امنیت فراملی است باید بر مبنای عوامل ذیل پایدار باشد:

- 1- ایجاد هماهنگی و یکپارچگی در داخل
- 2- ایجاد ترکیبهای ملی با توجه بر انگیختن عرق ملی - اسلامی
- 3- کاهش تضادهای موجود به لحاظ ایدئولوژیک و فرهنگی
- 4- آگاهی بخشی جهت ایجاد احساس مشترک ملی و سازماندهی برای مشارکت فعال

به این ترتیب با توجه به شیوه‌های فوق جهت گام‌های اولیه به سوی امنیت ملی میتوان به نقش استفاده از وسایل ارتباطی متعدد که بیانگر افکار متنوع باشد پی برد. این وسایل می‌تواند با استفاده از تجهیزات مناسب خود منجر به کاهش برخوردهای ذهنی، عملی و عقیدتی شوند و جامعه را از لحاظ درونی یکپارچه سازند. پس حاکمیت در جامعه ایران می‌تواند از این وسایل در حمایت ذیل یاری جوید:

- 1- ایجاد یک هویت عمیق و ریشه‌دار ملی.
- 2- ایجاد حس مسؤولیت و حساسیت در قبال مصالح عمومی.
- 3- استفاده از وسایل ارتباطی متعدد برای ایجاد حس مسؤولیت در مقابل امنیت و عمل نمودن به قانون در کشور.
- 4- به کار بردن ابزار ارتباطی جهت شکل دادن به افکار عمومی متناسب با مقتضیات امنیتی، سیاسی، اقتصادی.
- 5- کاربرد وسایل ارتباط جمعی جهت افزایش ضریب اعتماد افکار عمومی نسبت به حاکمیت

اول) تهدیدات داخلی در چارچوب مرزهای دورنی جمهوری اسلامی ایران
برای طرح راهکارها مناسب و عینی جهت برقراری امنیت در عصر ارتباطات، در آغاز باید تهدیدات متعددی را که امنیت ج.ا.ا را مخدوش می‌سازد برشماریم. در بحث گذشته مشاهده شد که یکی از تهدیدات داخلی کشور ما به لحاظ

امنیتی ناهمگونی قومیتها از جنبه‌های متفاوت بود که این، در ترکیب جمعیت یک کشور خطری بالقوه است. گذشته از مشکل ذکر شده، امروزه تهدیدات دیگری نیز در داخل، جامعه اسلامی ایران را در معرض تلاطم قرار داده

است مانند مفاسد اجتماعی، فعالیت گروههای ضدانقلابی و .که برای مقابله با آنها از راهکارهای مؤثر، حرکت به سوی جامعه‌ای آرام و قانون‌مدار است، جامعه‌ای که در آن حاکمیت با تکیه بر قانون می‌تواند مانع از عملکرد افراط

و بی‌ثبات‌کننده گروههای مختلف گردد. بدیهی است که وسایل ارتباط جمعی چنان که در ایران و سایر نقاط جهان نیز نشان داده‌اند، تأثیر شگرف و گسترده‌ای در ایجاد ثبات و آرامش دارند و از این روی باید به جایگاه و شأن قانونی آنها

توجه در خوری گردد.

در این میان، از آن جا که جمهوری اسلامی ایران بر مبنای یک نظام ایدئولوژیک استوار است، ویژگی‌ای که می‌تواند چنین حاکمیتی را از سایر حکومتها متمایز سازد، بنابراین نظام جمهوری اسلامی باید با در نظر گرفتن چنین اصلی در اساس آن، هماهنگی لازم بین خواسته‌های ایدئولوژیک و نیازهای اجتماعی در عصر حاضر پدید آورد تا اینکه آرامش مورد نظر حاصل آید. کارکرد فوق فقط از عهده وسایل ارتباط جمعی برمی‌آید و اگر به نحوه احسن به اجرا گذارده نشود، خود منشأ تهدید داخلی عمده‌ای خواهد بود که مقابله با آن به سادگی میسر نیست.

دوم) تهدیدات خارجی و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران

جهت شناخت تهدیدات برون‌مرزی، ابتدا باید ارزیابی کنیم که در کدام محدوده جغرافیایی قرار گرفته‌ایم یعنی مرزهای ما توانایی ایجاد چگونه تهدیداتی را دارند. با توجه به موقعیت ژئوپولتیک ایران و حساسیت کشورمان به لحاظ آن که یکی از بزرگترین و قوی‌ترین کشورهای منطقه خاورمیانه به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی همواره در معرض تهدیدات مختلف بوده است.

ایران در شمال با غائله آذربایجان و ترکیه مواجه است. پیوستن ترکیه همسایه شمالی ایران، به ناتو خطرزا می‌باشد در عین حال قراردادهای اخیر ترکیه و آذربایجان نیز محل تأمل است. زیرا آذربایجان پس از جدا شدن از شوروی برای مرزهای شمالی ما تهدیدی بالقوه محسوب می‌شود در این میان وسایل ارتباط جمعی با استفاده از زبان و موسیقی، آداب و سنن و فرهنگ آذری موضوع الحاق آذربایجان ایران به ترکهای شمالی و تأسیس یک سرزمین مستقل را دامن زده‌اند. در چنین موقعیتی جمهوری اسلامی ایران باید به شیوه‌های تبلیغاتی متعددی توسل جوید تا ذهنیت آذربایجان ایران را به سوی داخل سوق دهد.

در غرب ایران عراق بی‌ثبات قرار دارد که همچنان با کینه‌ورزی نسبت به ایران همواره در صدد ایجاد بحران در منطقه می‌باشد. در شرق نیز طالبان با یک ایدئولوژی ضدشیعیه و وهابی‌گری تهدیدی بالفعل محسوب می‌شود؛ همچنین افغانستان در جهت واردات موادمخدر از طریق مرزها به ایران نیز خطرزا بوده است.

در جنوب با وجود روابط دوستانه اخیر همچنان مسأله جزایر و تلاش برای ترسیم ایران چون خطری منطقه‌ای، وجود دارد که کشمکشهای فراوان و خاتمه‌ناپذیر بر سر این جزایر برای امنیت ایران می‌تواند مشکل‌ساز باشد. اس._____رائیل

نیز به مثابه همسایه‌ای پنهان نباید از نظر دور بماند.

همچنین حضور نیروهای آمریکایی در خلیج فارس نیز تهدید جدی برای منافع ایران به شمار می‌رود. حال این تهدیدات همگی تهدیدات مرزی و سرزمینی بودند که بازتابهای مختلفی در سطح داخلی و جهانی به همراه خواهند داشت.

اکثر تهدیداتی که در بالا به آن اشاره کردیم بالقوه هستند، حال باید گفت چه عواملی این بالقوه را به بالفعل تبدیل می‌نماید؟ هر انگیزه بیرونی‌ای که بخواهد این تهدیدات را به عرصه عمل وارد سازد، ناگزیر جهت گسترش خطر و پیروزی در عملکرد خود ابتدا باید افکار عمومی را با خود همراه سازد و سپس با پشتوانه‌ای محکم تهدیدات را عملی

کند؛ بنابراین برای شکل‌گیری افکار عمومی، ضرورت وجود وسایل ارتباطاتی و پیامهای تبلیغاتی برای آماده‌سازی اذهان در اولویت قرار دارد و از این حیث می‌توان "ارتباطات" را حلقه واسط بین تهدیدات بالقوه و بالفعل دانست.

سوم) راهکارهای پیشنهادی با تأکید بر نقش ارتباطات

1- امنیت و اجرای آن باید بر مبنای قانون اساسی باشد و حاکمیت در جهت رشد رفتارهای قانونی و عملکرد قانونمند نهادهای مختلف اجتماعی - اقتصادی و سیاسی می‌تواند از رادیو، تلویزیون و مطبوعات یاری جوید.

2- با پخش برنامه‌هایی که به لحاظ اجتماعی و فرهنگی توانایی ایجاد احساسات مشترک ملی را دارد در جهت همگون ساختن ملیتهای مختلف در ایران گام برداشته شود.

3- با شناخت روانی و اجتماعی قومیت‌های گوناگون از تبلیغاتی متناسب و مشترک بین این مخاطبان استفاده شده و با پیامهای اثرگذار، در آن حس تعلق به کشورشان را زنده نمایند.

4- حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی می‌تواند با استفاده از وسایل ارتباط جمعی هویت دینی را در افراد تقویت کرده و حس ایدئولوژیکی را در آنان پویا سازد. در این مقوله استفاده از متخصصانی آگاه در امر ارتباطات از لحاظ روان‌شناختی و جامعه‌شناختی ضروری می‌باشد.

5- با توجه به گستردگی شعاع عمل وسایل ارتباط جمعی، نظام جمهوری اسلامی باید در بخش ارتباطاتی نظیر رادیو، تلویزیون، مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی با استفاده از کارشناسانی توانا، گسترش این حیطه را در اولوی

قرار دهد و فهم درست و عقلانی از ایدئولوژی اسلام را در قالب شیواترین و متنوع‌ترین برنامه‌های ارتباطی بگنجان

بتواند با تهدیدات بیرونی مبارزه کند.

چهارم) تلاش ارتباطی گسترده جهت مقابله با تصویرسازیهای نادرست از ایران در سطح جهان تصویرسازی غرب از کشورهای شرق و نیز مسلمانان و ایران تا حدودی در همسویی هستند؛ براساس تحقیقی در آمریکا، از دانشجویان سؤال شد با شنیدن کلمه خاورمیانه چه مفاهیمی برای آنان تداعی می‌شود که پاسخهای آنان عبارت بود از: تروریست، بیابان، جنگ، نفت، پول، شتر، بنیادگراها، افراطیون، غیرمتمدن، غیردموکراتیک، خطرناک، تکلم کننده به زبان عربی، غیر قابل اطمینان، خشونت، ارتجاع، شد آمریکایی و (32) این اظهارنظرها در حالی صورت

می‌گرفت که هیچ یک از دانشجویان حتی جای کشورهایمانند ایران، افغانستان و ترکیه را روی نقشه نیز نمی‌دانستند. به نظر دکتر معتمدنژاد تصویرپردازیها و قالب‌سازیهای وسایل ارتباط جمعی غرب در زمینه جمهوری اسلامی ایران از جمله نمونه‌های کم سابقه و شاید بی سابقه برخوردارهای آنان با مسائل جهان سوم در سالهای اخیر

شمار می‌روند به گونه‌ای که کمیسیون بین‌المللی یونسکو برای مطالعه مسائل ارتباطات در گزارشهای خود از تصویرسازیهای این وسایل در مورد جمهوری اسلامی ایران، به یک نمونه مهم جهانی یاد کرده است (33) بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای استوار ساختن مبانی امنیتی خود ناگزیر باید به مقوله ارتباطات در سطح جهانی توجه کرده، با تمام توان در این گستره بکوشد.

برای مقابله با شیوه‌های ارتباطی غرب در برخورد با جمهوری اسلامی ایران دو نوع رویارویی و مقاومت به صورت

همزمان لازم می‌باشد: اول - در خارج از مرزها برای مخاطبان خارجی. دوم - در درون مرزها برای مخاطبان داخلی. آن چه در تبیین چهره ایران برای مخاطبان مؤثر است دادن تصویر واقعی و مستند است و آن چه مخاطب داخلی را از تأثیرپذیری از پیامهای بیگانه باز می‌دارد، ایجاد تنوع و جذابیت در برنامه است به گونه‌ای که مطالب در جهت اقناع و ارضای مخاطب در مسیری منسجم تهیه شده باشند.

لازم به ذکر است که در این مورد تبصره 75 قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران برای امنیت ملی، پیش‌بینی لازم در بودجه‌های سالانه (تا پایان سال 1378) را به عمل آورد که اهداف موردنظر در این زمینه از این قبیلند:

1- گسترش مبادلات فرهنگی و حمایت از فعالیتهای بخش غیردولتی در عرضه محصولات فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سراسر دنیا به ویژه کشورهای اسلامی و جهان سوم؛

2- گسترش روابط با خبرگزاریهای مستقل و مؤثر منطقه‌ای و بین‌المللی و استفاده از کانالهای ماهواره‌ها جهت پوشش مخاطبان کشورهای دیگر و سیل مبلغان؛

3- تلاش در جهت ایجاد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی بین‌الملل اسلامی، گسترش و بهبود پوشش شبکه‌های برون‌مرزی صدا و سیما، گسترش برنامه‌های آموزشی و فرهنگی زبان و ادبیات فارسی برای خانواده‌های ایرانی و سایر

مخاطبان در خارج از کشور برنامه‌های ذکر شده می‌تواند در قالب اهداف فوق از جمله شیوه‌های تأثیرگذاری در سطح داخلی و بین‌المللی باشد.

نتیجه‌گیری

بی‌اعتباری عملی مرزهای شناخته شده بین‌المللی در برابر امواج تبلیغاتی و پیامهای وسیع ارتباطی از سویی و بیداری احساسات فرهنگی و اصالت‌جویانه اقوام و ملل از سوی دیگر، سبب کم‌رنگ شدن نقش کشور - ملت‌ها در عرصه بین‌الملل و در عوض پررنگ شدن نقش فرهنگها و تمدنها گشته است. این وضعیت بر روی شاخصهای امنیتی جوامع تأثیرگذار بوده‌اند؛ پس حاکمیت ما باید از ارتباطات به لحاظ ابزاری جهت انتقال تفکر موردنظر در داخل و خارج مرزها سود جوید و با ریشه‌یابی مشکلات و موانع موجود عرصه را در عمل بگشاید. بنابراین میتوان این گونه داوری کرد که جامعه‌ای که در عمل مشکل دارد حتما در اندیشه‌هایش نیز دچار گرفتاری بوده است. وحدت نظر در هیچ کجای دنیا بین نخبگان وجود ندارد بلکه این اجماع‌نظر بین نخبگان از گروههای مختلف است که منجر به تولد

توسعه‌یافتگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شده و امنیت ملی را متبلور می‌سازد. هر جا که نشانی از پیشرفت هست همان جا نیز شواهدی از انسجام فکری نخبگان به چشم می‌خورد. پیشرفت نیاز به مدیران مدبر داشته که برداشتهای کلیدی مشترکی از مفاهیم داشته باشند و این مهم با استفاده بهینه از نیروی متخصص در جامعه پدید می‌آید. استفاده از تخصص جامعه را به سوی نظم و قانونمند شدن رهنمون می‌شود که با خود امنیت ملی را به ارمان خواهد آورد و ارتباطات نیز در این روابط پیچیده و مستقیم در عصر خود، نقشی بسیار حساس و کلیدی توان

داشت.

یادداشتها

- (1) مک‌لوهان، آیین‌های جیبی، انتشارات رادیو و تلویزیون ملی ایران، سال 1352.
- (2) ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباطات، تهران، انتشارات اطلاعات، 1371، صص 19-22.
- (3) همان، صص 18 و 19.
- (4) همان، ص 19 و 20.
- (5) همان، صص 18 و 19.
- (6) همان، صص 47 و 48.
- (7) محسنیان‌راد، مهدی، ارتباط‌شناسی، تهران، سروش، 1368، ص 45.
- (8) اسدی، علی، افکار عمومی و ارتباطات، تهران، انتشارات سروش، 1371، صص 23-25.
- (9) مک‌لوهان و هربرت مارشال، برای درک رسانه‌ها، سعید آذری، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، 1377، ص 125.
- (10) بهنود، مسعود، "چه افتاد بر سرما"، آدینه، 1368، شماره 24، ص 14.
- (11) همان، ص 15.
- (12) جامعه‌شناسی ارتباطات، پیشین، صص 19-21.

(13) تافلر، آلون، موج سوم، شهیندخت خوارزمی، تهران، فاخته، 1374، 1374، ص 61.

(14) پاد، ایرج، ارتباطات، جامعه امروز و فردا، انتشارات صدا و سیما، سروش، 1369، ص 24.

(15) همان، ص 25.

(16) همان، ص 40.

(17)Tehranian, Majid, "Comunication & Internatonal Relations:Problems,Puzzles", Policies & Prospects, 1996, p.36.

(18)Ibid.p.39.

(19)Ibid.

(20) شکرخواه، یونس، "پدیدارشناسی مخاطب"، فصلنامه علمی و پژوهش سنجش، 1376، شماره 11، ص 22.

(21) همان.

(22) دیویدسون، نیلیس، "افکار عمومی، نقش و اهمیت آن در جامعه"، نصرت فتحي، فصلنامه علمی و پژوهش سنجش، 1376، شماره 11، ص 22.

(23) نظامهای اجتماعی، چارلز کولی، پیشین، ص 121.

(24) بنیگر، اتولر، ارتباطات اقناعی، علی رستمی، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعات سنجش برنامه‌ای صدا و سیما، 1376، ص 39.

(25) ماندل، رابرت، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، 1377، ص 43.

(26) قاسمی، ج، "برداشتهای متفاوت از امنیت ملی"، فصلنامه سیاست دفاعی، بهار 1372، پیش شماره دوم، صص 54 و 55.

(27) همان.

(28) همان، ص 56.

(29) ماندل، رابرت، پیشین، ص 43.

(30) امنیت ملی و نظام بین‌الملل، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، 1374، ص 11.

(31) همان، ص 11.

(32) معتمدنژاد، کاظم، "تصویر خبری انقلاب اسلامی ایران در جهان"، رسانه، 1368، شماره 1، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، صص 21-31.

(33) جبلی، پیمان، "نگاهی به سیاستهای ارتباطی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه علمی پژوهشی رادیو تلویزیون، پیش شماره سال اول، ص 95.

